

« جمله و اجزای آن (۱) »

بعد از اینکه یاد گرفتیم جمله ها رو مرتب کنیم وقت اول رسیده که ببینیم توی جمله چه حالتی یا فعلی کار میکنیم  
و کلاه تجویز اوزان چه ۱۹

در یک جمله تمام نقش های زیر میتواند به کار برود:

اجزای جمله: نهاد (+ مفعول / متمم / مسند / عقید) + فعل

از میان این اجزا نهاد و فعل معمولاً در تمام جمله ها حضور دارند؛ اما در ادامه می بینیم که اجزای داخل پرانتز  
در برخی جملات حضور دارند و در برخی دیگر نه.

ما باید تک تک این اجزا را بشناسیم و طریقه تجویز آن ها را در جمله بدانیم.

فعل: فعل بلاشک فرمانده جمله دانست، فعل نه تنها حضورش در جمله الزامی است بلکه حضور سایر اجزای جمله

هم به آن گسلی دارد؛ سنید: هوا بیا بپرید نهاد فعل  
هوا بیا با وجود جونا فاسب بپرید نهاد متمم فعل

هوا بیا آلام بپرید نهاد فعل  
هوا بیا ایمن است نهاد مسند فعل

حوایها سفر لا آیدان کرده است  
 نهاد مفعول مسند فعل

حوایها را در دیدند  
 مفعول فعل

تلاطم می کنند که فعل در تمام جملات بالا وجود دارد؛ اما اجزای دیگر - حتی نهاد - در تمام جملات حضور

ندارند در ضمن وجود مفعول و مسند و در برخی موارد، متمم نیز به طریقت فعل مبتدی دارد. بررسی اقسام فعل و

جزئی های آن را به درس گمرده فعلی و اجزای نهادیم و الا ان به ادای تحت اجزای جمله می پردازیم.

**نهاد:** نهاد خبری از جمله است که درباره آن خبری دهیم. جای اصلی نهاد در ابتدای جمله است.

**نهاد** را با پرسش زیر تعین می کنیم:

چه چیزی + فعل جمله (به شکل سوم شخص) ؟ = نهاد  
 چه کسی

مثال ۱ - سعدی سلطان را نوشت: چه کسی نوشت؟ سعدی = نهاد

مثال ۲ - تو یک روز با حسنی نزد من آمدی: چه کسی آمد؟ تو = نهاد

مثال ۳ - ما الان حوالا لطف کردیم: چه چیزی لطف کرد؟ ما الان = نهاد

**متمم:** متمم خبری از جمله است که با یکی از حروف اضافه به جمله می پیوندد و توضیحی به متمم آن می افزاید.



همیشه بعد از حرف اضافه می آید؟ **پس** لازم است نه سببی از معترضین حرف اضافه لا داشته باشیم.

معترضین حرف اضافه عبارتند از:

په - از - با - در - بر - برای - بی - مانند - چون (به معنی مثل و مانند) - خبر - غیر - اندر - اندرون (در معنی در)

یا (وقتی افعالی زمان امکان را برسانند)

علاوه بر این حرف اضافه به ساده هستند، یعنی از حرف اضافه مرکب اند. **حروف اضافه مرکب:**

به وسیله - بد واسطه - به خاطر - به جای - به استقامت - برسان - به علاوه - در برابر - درباره - از نظر

از لحاظ - از روی - به غیر - به علت - به عنوان - به کردار - به مانند - به منظور - در ضمن - در مورد

مثال ۲ ← ایران از جهت می پرسید  
نهاد حرف متمم فعل اضافه

مثال ۱ ← من به تو می اندیشم  
نهاد متمم فعل

مثال ۳ ← من برای مطالعه به کتابخانه می روم  
نهاد حرف متمم فعل اضافه

مثال ۳ ← من برای مطالعه به کتابخانه می روم  
نهاد حرف متمم فعل اضافه

\* در یک جمله ممکن است بیش از یک متمم وجود داشته باشد.

\* هر چیزی از جمله که بعد از حرف اضافه بیاید متمم است.

مفعول: چیزی از جمله است که فعل بر آن واقع می‌شود. یعنی پذیرنده مستقیم اثر فعل است؛ مثلاً در جمله

علی غذا را خورد؛ فعل خوردن بر غذا واقع شده است؛ یعنی غذا پذیرنده اثر فعل خوردن است

راه پیدا کردن مفعول در جمله، پرسش زیر است:

چه چیزی را + فعل جمله؟ ← مفعول  
چرا کسی را

مثال ۱ ← زاله طل را بوید: چه چیزی را بوید؟ طل را = مفعول  
نهاد فعل

مثال ۲ ← او سفره را نگاهد: چه چیزی را نگاهد؟ سفره را = مفعول  
نهاد فعل

\* همه جمله‌ها مفعول ندارند. تنها جملاتی دارای مفعول هستند که فعل آنها مانع مفعول بالا یعنی دارا باشد؛ مثلاً جمله

ما درخت می‌کاریم. ما در نظر بگیرد فعل این جمله می‌کاریم است. حالا باید ببینیم که آیا چه چیزی را می‌کاریم یا

چرا کسی را می‌کاریم. معنی دارد یا نه. خوب؛ پرسش چه چیزی را می‌کاریم معنی دارد است؛ پس جمله ما درخت

می‌کاریم، مفعول دارد. گام بعدی تعیین کردن پاسخ این سوال است:

چه چیزی را می‌کاریم؟ درخت را ← نام این درخت مفعول این جمله است



Subject: .....

Year: ..... Month: ..... Day: .....

نشانه فعل است و فعل اغلب بعد از مفعول حرف را وجود دارد یا خودمان می‌توانیم این حرف را بعد از

مفعول بیاوریم

گفتیم که فقط جمله صافی مفعول دارند که فعل آنها با چه چیزی را چه کسی را معنی داشته باشد